گفت‌وگو

صبا صراف

لباس پوشیدن‌هایی که از یک تقلید کودکانه شروع می‌شود

نوزاد که هستید، لباس‌تان مشخص است؛ همان لباس‌های نرم و نازکی که رنگ‌های سفید، صورتی و آبی دارند و چه دختر باشید و چه پسر همان‌ها را به شما می‌پوشانند. وقتی کمی رشد کردید و تبدیل به یک کودک دوست‌داشتنی شدید، آن وقت لباس‌ها کمی رنگ‌شان فرق می‌کند؛ لباس‌های کوچک که اگر دختر باشید، پیراهن‌ها و دامن‌های گلدار و رنگی و اگر پسر باشید بلوز و شلوارک با رنگ و طرح‌های مختلف است. لباس‌هایی که پدر و مادرها با سلیقه و عشق می‌خرند و بچه‌ها با شوق می‌پوشند، تا کمی پس از کودکی هم به همین شکل می‌گذرد. سال‌های اول مدرسه که مادرها و پدرها لباس می‌خرند و بچه‌ها می‌پوشند در همه این سال‌ها همه چیز «آروم» است و خانواده‌ها خوشبخت هستند، اما همه چیز از همان زمان‌هایی شروع می‌شود که دیگر لباس‌های گلدار شلوارک‌های رنگارنگ قرار است جای خود را به لباس‌های مد روز بدهد؛ همان‌هایی که پشت ویترین مغازه‌ها و کانال‌های مد و بعد هم بر تن کسانی که آنها را می‌پوشند، چشم را خیره می‌کند. و این آغاز ماجرایی می‌شود برای چالش‌های میان خانواده، فرزندان یا جامعه در مورد آنچه نوجوانان و جوانان می‌پوشند. فربد فدایی روانپزشک این رفتارها را نوعی نابهنجاری اجتماعی می‌داند و در مورد علت و دلایل آن با ما به گفت‌وگو می‌نشیند.

– – –

– به طور کلی نوع لباس پوشیدن فرزندان در یک خانواده ایرانی را خانواده تعیین می‌کند یا جامعه؟

نحوه لباس پوشیدن در درجه اول به خانواده بازمی‌گردد، کودک آنچه را برای او مناسب است به تن می‌کند و بعدها آن را انتخاب می‌کند. کودک از همان ابتدا به نحوه لباس پوشیدن پدر و مادر توجه دارد، مانند آنکه در زمان کودکی لباس پدر یا مادر خود را می‌پوشد یا کفش‌های مادر را به پا می‌کند و به نوعی حس تقلید از آنان را دارد و همین احساس تقلید کردن باعث می‌شود هرگاه پدر و مادر پوشاک خاصی را انتخاب کرد فرزند نیز از او پیروی کند.

– این مورد تنها مربوط به خانواده‌های ایرانی می‌شود یا در همه جای دنیا تعیین پوشش بچه‌ها با خانواده است؟

در همه جای دنیا خانواده مرجع اول است و البته خانواده نیز عموماً از سنت‌های فرهنگی جامعه استفاده می‌کند. پوشش مردم هندوستان و کشورهای جنوب شرقی آسیا یا آفریقای حاره‌ای با بقیه نقاط جهان متفاوت است.

– اینکه برخی از نوجوانان و جوانان تمایل به پوشیدن لباس‌های خاص یا به اصطلاح عجیب و غریب دارند از کجا ناشی می‌شود؟

تعدادی از افراد به خاطر برداشت‌های شخصیتی خود تمایل به استفاده از پوشاکی دارند که با عرف و فرهنگ سازگاری ندارد و این نیز ویژه جامعه ایران نیست بلکه در همه جای دنیا چنین مساله‌ای وجود دارد و برخی با لباس‌ها یا آرایش‌های عجیب و غیرعادی می‌کوشند از دیگران متمایز باشند. گاهی نیز نیاز به جلب توجه دیگران عامل پوشیدن لباس‌های غیرعادی می‌شود و گاهی هم نوجوانان برای نشان دادن مخالفت خود با پدر و مادر لباس‌هایی می‌پوشند که از آن منع می‌شوند.

–در مواردی هم این موضوع در حد اختلاف خانوادگی میان فرزند با خانواده‌اش است، به این معنی که اگرچه او مانند مواردی که گفته شد، ممکن است لباس‌های عجیب و غریب نپوشد اما نمی‌پسندد که لباس‌های مورد توجه پدر و مادر خود را بپوشد. این چالش میان فرزند با پدر و مادر خود از کجا ناشی می‌شود؟

نوجوانان روحیه تنوع و تازه‌جویی دارند، بنابراین هر آنچه نو باشد برای آنها جذاب است و از سوی دیگر با پوشیدن لباس‌هایی که اصطلاحاً مد شده، تعلق خود را به گروه سنی ویژه خویش نشان می‌دهند و احساس تعلق به گروه و احساس امنیت می‌کنند اما این تمایل در تعدادی از کودکان به صورت افراطی درمی‌آید که حکایت از مشکلات جوانی و شخصیتی یا ارتباطی در آن افراد می‌کند؛ برای نمونه نوجوان

برای اینکه اعتراض خود را به پدر و مادر نشان دهد لباس‌هایی متفاوت با توصیه‌های آنها به تن می‌کند. گاهی از آنجا که نوجوان نمی‌تواند به صورت سازنده و مثبت مانند درس خواندن یا فعالیت‌های اجتماعی جلب توجه کند، می‌کوشد با پوشیدن لباس‌های عجیب و غریب نظر دیگران را به خود معطوف کند. از ویژگی‌های برخی مبتلایان به اختلال شخصیت، اختلال ضداجتماعی و اختلال مرزی ، تمایل به برهنه‌گرایی است و این وضع چه در مردان و زنان مبتلا دیده می‌شود. برای نمونه اکثر مردانی که همیشه آستین خود را بالا می‌زنند یا دکمه‌های لباس خود را تا روی ناف باز نگه می‌دارند، یا پاچه شلوار خود را بالا می‌زنند، از این گروه هستند، اما طبیعتاً این تمایل در زنان بیشتر جلب نظر می‌کند. بنابراین اغلب کسانی که با پوشاک عجیب و غیرعادی یا آرایش‌های زننده یا لباس‌های نامتناسب با سن خود در انظار ظاهر می‌شوند، نیاز به بررسی روانپزشکی دارند.

– اگر این عمل برای نشان دادن نوعی اعتراض با معیارها باشد در آن صورت هم نابهنجاری است؟

یکی از ویژگی‌های سلامت روانی عبارت است از هماهنگی با جامعه، بنابراین اگر کسی اصرار داشته باشد که با معیارهای جامعه یا خانواده متمایز باشد باید به فکر سلامت روانی او بود. انتظار می‌رود یک فرد سالم از نظر روانی حتی اگر نحوه توصیه‌شده پوشاک در جامعه را نمی‌پسندد آن را رعایت کند بنابراین تظاهر به مخالفت به وسیله پوشیدن لباس‌های نامناسب و در مورد بانوان بی‌توجهی به حجاب نماینده نوعی ناهنجاری روانی است. این افراد در هر جامعه‌ای نیز وجود دارند و در جوامع اروپایی هم کسانی هستند که با نحوه پوشاک غیرعادی خود جلب نظر می‌کنند، بنابراین صحبت بر اثر معیارهای ویژه نیست بلکه افرادی که مشکل شخصیتی دارند، جامعه نیز با آنها تضاد دارد.

– راه مناسب برای برخورد با چنین مشکلاتی از سوی خانواده‌ها چه می‌تواند باشد؟

خانواده به وسیله رفتار شایسته و توجه به همه نیازهای کودک و برقراری صحبت بین همه اعضا از لجاجت‌ها و رفتارهای منفی‌کارانه که از جمله به صورت لباس‌های غیرعادی تظاهر می‌کند، جلوگیری می‌کند. مادری که شخصاً لباس نامناسب به تن می‌کند یا آرایش غلیظ دارد، نمی‌تواند انتظار داشته باشد که دخترش با پوشش مناسب ظاهر شود. حتی اگر هزار بار هم مسائلی گفته شود و از سوی جامعه تکرار شود باز هم در مقابل دیدن رفتار بزرگ‌ترها بی‌تاثیر می‌شود. اگر پدر و مادر می‌خواهند فرزندشان پوشش مناسبی داشته باشد شخصاً باید این رفتار را داشته باشند. توجه افراطی به ظاهر، نماینده رواج مادی‌گرایی و مصرف‌گرایی در جامعه است، یعنی فرد می‌خواهد با پوشش بسیار گران نظر دیگران را جلب کند یا اثبات کند که شخص مهمی است و البته عموماً در جوامعی که بر اساس اصول دینی و اخلاقی شکل گرفته است مردم نمی‌کوشند با جامعه خود به دیگران فخر بفروشند یا خود را متمایز نشان دهند.

–سیستم‌های کنترل‌کننده از بیرون مثل نیروی انتظامی یا دولت هم می‌تواند در حل این مسائل کمک‌کننده باشد؟

قاعدتاً در این مورد خود خانواده باید اقدام لازم را برای فرزند خود انجام دهد و از نظر اجتماعی نیز باید نمونه‌هایی که در رسانه‌ها مطرح می‌شود مظهر اعتدال در پوشاک باشند و باید عرف را در نظر گرفت.

شما چطور

این روزها همه دنبال برندند

صبا صراف

انواع و اقسام کیف و کفش و لباس‌هایی با لیبل‌های کوچک که روی زیپ‌ها، جیب، پشت یقه و در گوشه و کنار آنها دوخته شده برای نشان دادن و توجه به یک نوشته کوچک است؛ نوشته؛ کوچکی که نه‌تنها ستارگان سینما و مادلین‌های دنیا دوست دارند آنها را به عنوان نشان به این سو و آن سو بکشند بلکه این روزها در همه خانواده‌های متوسط تا رو به بالا و حتی بالاتر اگر به سراغ کمدهای مربوط به هر کدام از بچه‌ها و پدر و مادر خانواده بروید، لباس‌های تاشده و تا نشده و کیف و کفش‌هایی وجود دارند که در روی آن آثاری از این نوشته‌ها باشد. مارک یا برند هر کالا نشان از طراحان و خیاطانی خبره دارد که هر ساله سعی می‌کنند با طراحی‌های جدید خود پیشنهاداتی برای پوشیدن لباس‌های مناسب هر فصل بدهند. اگر به شیک‌پوشی معروف باشید و پولش را هم داشته باشید، شاید یکی از این لباس‌ها بهترین انتخاب باشد. البته این روزها به یمن کارخانه‌های چینی استفاده از برند آسان‌تر شده است. در این میان مسوولان دولتی ایران هم سعی کرده‌اند لباس‌هایی با مارک‌ها و طرح‌های ایرانی تولید و به نوعی پوششی مربوط به کشور ایران ارائه کنند. بر اساس مواد ۵ و ۶ قانون ساماندهی مد و لباس مصوب مجلس که در دی‌ماه سال ۸۵ تصویب شد، وزارت بازرگانی مکلف است برای دسترسی عمومی و حمایت از تولید و فروش پارچه‌ها و پوشاک منطبق با الگوهای ایرانی- اسلامی، نمایشگاه‌های عرضه فصلی مد و لباس و پوشاک برگزار کند. برای حمایت از تولیدات داخلی با رعایت قانون مقررات صادرات و واردات مصوب سال ۱۳۷۲ و اصلاحات بعدی، این وزارتخانه موظف شد عوارض گمرکی برای واردات تجاری پوشاک و پارچه‌های خارجی وضع کند به نحوی که امکان رقابت برای تولیدکنندگان داخلی فراهم شود. با این وجود تنها دو یا سه شرکت ایرانی که آنها هم در اصل تولیدکننده لباس مردانه هستند توانسته‌اند جایی به عنوان برند داخلی در میان مردم باز کنند. اما با وجود این کارها همچنان واردات فروشگاه‌های بزرگ برندهای خارجی در ایران هر روز بیشتر شده و تعداد شعبه‌های این فروشگاه‌ها در ابعاد بزرگ‌تر و بهتر جایگزین می‌شود و همچنان مردم ترجیح می‌دهند همان مارک‌های خارجی را که سال‌های سال است شناخته شده بخرند و بر تن کنند تا دیگران هم ببینند.

■ جوان باشید، مارک‌باز باشید

یک تحقیق دانشجویی که از دانشجویان رشته‌های زبان انگلیسی، اسپانیایی، فرانسوی و ادبیات در مورد استفاده از مارک پرسیده شده نشان می‌دهد ۵۰ درصد از پاسخ‌دهندگان موافق با خرید لباس‌های مارک‌دار هستند و البته پسرها بیش از دخترها به خرید مارک گرایش دارند. از این میان ۸۰ درصد پاسخ‌دهنده‌ها، لباس‌های اسپرت مارک‌دار را به خاطر راحتی در این لباس‌ها و سبک‌تر بودن‌شان انتخاب می‌کنند.

در این تحقیق آمده، مارک‌پوشان در نظر ۷۰ درصد مخاطبان از مقبولیت متوسطی برخوردارند اما در نظر ۲۵ درصد دیگر محبوبیت دارند و پنج درصد باقی‌مانده که خود از مارک‌پوشان حرفه‌ای بوده‌اند به پوشیدن لباس مارک‌دار علاقه زیادی داشته‌اند.

شیوا دانشجوی رشته مدیریت بازرگانی بیشتر ترجیح می‌دهد لباس مارک‌دار بخرد و گاهی هم لباس‌های بدون مارک اما تجربه به وی ثابت کرده مارک‌دارها البته اگر اصل باشند کارکرد خیلی بیشتری از لباس‌های غیرمارک‌دار دارند. او می‌گوید: «من یک کفش مارک‌دار از دوبی خریدم و اتفاقاً یک سال همه جا هم پوشیدم و کلی با آن راه رفتم ولی واقعاً خوب ماند در صورتی که قبل از آن هر کفش غیرمارک‌داری که می‌گرفتم بعد از سه یا چهار ماه خراب می‌شد.» او هم مانند خیلی از دختران جوان دیگر وقتی درباره مارک صحبت می‌کنی، لبخند می‌زند و تکرار می‌کند: «بالاخره مارک است.»

■ خانواده‌های مارک‌دار

علاقه به مارک و مارک‌بازی تنها مربوط به جوانان نیست و پدر و مادرهای ایرانی زیادی دوست دارند وقتی برای خرید به فروشگاه‌های برند می‌روند، لباسی هم برای خود انتخاب کنند.

احمد صراف کارمند شرکت صنایع فولاد است و به همراه خانم و دو فرزندش برای خرید به فروشگاه یکی از برندها در حوالی میدان تجریش آمده است. او در پاسخ به اینکه بیشتر ترجیح می‌دهند لباس‌های مارک‌دار بپوشند یا فرقی برایشان نمی‌کند، می‌گوید: «بحمدالله خانواده ما همه مارک‌پوشند.» او دلیل این انتخاب خود را کیفیت جنس برندها و دوام آنها می‌داند و می‌گوید: «ماجرای همان ضرب‌المثل انگلیسی است که می‌گوید، ما آنقدر پولدار نیستیم که لباس ارزان بخریم.» خانم رضایی که چهار دختر دارد به گفته خودش از زمان جوانی اهل مارک بوده است و همیشه ترجیح می‌داد لباس، عینک و کیف‌های مارک‌دار داشته باشد.

هنوز هم همان مارک‌ها برایش شناخته‌تر است و می‌گوید: «آن موقع‌ها مارک‌ها مثل الان آنقدر تقلبی نبود و به اعتقاد من استفاده از برندهای بیشتر رایج بود.» این خانم از اینکه دخترانش لباس‌های مارک‌دار بپوشند بیشتر احساس رضایت می‌کند و می‌گوید: «البته زمان ما آنقدر و مانند الان برندها گران نبودند و اگر ما می‌توانستیم «شنل» و «دیور» داشته باشیم، دختران من الان مجبورند به همان «مانگو» و «زارا» اکتفا کنند.» استفاده از لباس‌ها و وسایل مارک‌دار امروزه در سبد خرید خیلی از خانواده‌هاست. پدرها ترجیح می‌دهند لباس‌های سبک و با کیفیت مارک‌دار بپوشند و مادرها هم اگر به خرید مانتوهای مارک‌دار علاقه نداشته باشند، اما دیگر لباس‌های مارک‌دار را ترجیح می‌دهند. لیلا بیشتر وقتش را در محل کار و بیرون از خانه است و فرصت آنکه برای خرید لباس خودش به بازار یا پاساژگردی‌های چندساعته برود، ندارد و ترجیح می‌دهد برای خرید سری به یکی از این برندهای مورد علاقه‌اش که عموماً به آن مراجعه می‌کنند و به قول خودش «تیپ لباس‌هایش» را دوست دارد خرید کنند. شوهرش هم عموماً از همین برند لباس‌هایش را می‌خرد چون لباس‌های مارک‌دار را با کیفیت می‌داند و علاوه بر آن به نظر او این لباس‌ها طراحی و دوخت مناسب‌تری دارند.

در این میان بیش از همه مادرانی که بچه‌های کوچک دارند به خرید لباس‌های مارک‌دار برای کودکان‌شان اهمیت می‌دهند. با وجود گران‌تر بودن لباس‌های کودک مارک‌دار در برابر لباس‌های بزرگسال اما خانواده‌های زیادی هستند که حتی اگر برای خود لباس‌های مارک‌دار یا گران نمی‌خرند برای کودکان‌شان حتماً این کار را می‌کنند. بهناز یکی از همین مادرهاست که پسرش تازه وارد دو سالگی می‌شود: «عموماً لباس‌های بیرونش را به خصوص مارک‌دار می‌خرم، از بس که طرح‌ها و رنگ‌های این لباس‌های مارک‌دار بچگانه خوشگل است؛ آنقدر که آدم وقتی می‌بیند دلش نمی‌آید برای بچه‌اش نخرد.» خرید وسایل آرایشی برند شاید بیش از پوشاک بین خانواده‌های ایرانی رایج است. صنم و مادرش که برای خرید لوازم آرایش آمده‌اند از فروشنده به دلیل مارک‌دار و اصل بودن لوازمش تعریف می‌کنند و اشاره می‌کنند که عموماً از این مغازه به خاطر مطمئن بودن در مورد مارک‌هایش خرید می‌کنند. مادر صنم می‌گوید: «در مورد پوشاک هم عموماً مارک خریداری می‌کنیم اما من در مورد لوازم آرایش دیگر خیلی حساس هستم که حتماً از مارک‌های معروف باشد چون به هر حال با پوست بدن در زمان طولانی در ارتباط است و حتماً باید در مورد کیفیت آن دقت شود، بهترین کیفیت لوازم آرایش را هم برندهای معروف آن دارند.»

آن وری‌ها

رکسانا رئوفی

مارک هرچه معروف‌تر؛ پولدارتر

استفاده از برند در همه جای دنیا طرفداران خاص خود را دارد و در مورد بعضی برندها طرفداران خاص‌تر و البته پولدارتر. سارا ۲۳ساله اهل نیوجرسی امریکا معتقد است: «لباس مارک‌دار یک چیز خیلی بزرگ و مهم در امریکا است.» خیلی از خانواده‌های امریکایی اگر از عهده مخارج آن برآیند ترجیح می‌دهند از لباس‌های مارک‌دار استفاده کنند، البته به این هم بستگی دارد که در چه شهر و منطقه‌ای زندگی می‌کنند. در شهرهایی مثل نیویورک، لس‌آنجلس و شهرهایی مثل اینها پوشیدن لباس‌های مارک‌دار بیشتر رایج است. شان ۲۰ساله اهل کالیفرنیا می‌گوید: «در کالیفرنیا حتی نوزادها و بچه‌های کوچک هم لباس‌های مارک‌دار به تن دارند. بعد از نوجوان‌ها که به مارک و مارک‌بازی خیلی علاقه دارند، پدر و مادرهای خانواده‌های امریکایی نیز به پوشیدن لباس‌های مارک‌دار اهمیت بیشتری می‌دهند و گاهی بیش از فرزندان خود، به صورتی که اگر برای فرزندان‌شان که کمی بزرگ‌تر شده‌اند مارک نخرند، حتماً برای خود می‌خرند. هرچه خانواده از سطح زندگی بالاتری برخوردار باشد مساله استفاده از مارک و برند هم جایگاه بیشتری پیدا می‌کند. گاهی یک فرد برای خودش ۵۰۰ دلار می‌دهد و لباس مارک‌دار می‌خرد اما این به این معنی نیست که همین قدر برای فرزندش هم برای خرید لباس مارک‌دار پول بپردازد. برخلاف ایران که همه دنبال مارک هستند حتی قشر سطح پایین جامعه، در امریکا کسی که در رده پایین‌تر جامعه است دنبال مارک‌های ارزان‌تر است و کسی که در رده سطح بالای جامعه است از مارک‌های گران‌تر استفاده می‌کند. البته مایک که ۵۰ سال دارد و گاهی هم اگر دستش برسد از لباس‌های مارک‌دار با قیمت‌های نه‌چندان بالا می‌خرد، معتقد است: «اینجا مارک را برای خود و راحتی و کیفیت آن می‌پوشند نه برای آنکه انگشت‌نما شوند و همه به مارک لباس‌شان اشاره کنند. اگر کسی هم لباس‌های مارک‌دار نپوشد اهمیت چندانی ندارد.»

مصائب مجردی

ولی ابراهیمی

اندر مجادلات معافیت

در دوره پیش‌دانشگاهی دوستان به من پیشنهاد می‌دادند که بروم دنبال معافیت سربازی، اما خودم تمایل نداشتم اصلاً فکر سربازی باشم چه برسد به معافیت. بعد از مدتی و گوشزدهایی مبنی بر این موضوع تصمیم گرفتم اقدام کنم، اما در آن سالی که من قرار بود اقدام کنم متاسفانه بحث‌هایی در مورد حذف معافیت‌های قد و وزن شد و اعلام شد این نوع معافیت‌ها تا اطلاع ثانوی معلق است. در نتیجه صبر پیشه کردیم و منتظر ماندیم تا اطلاع ثانوی از طرف نظام وظیفه. اما این انتظار بی‌فایده بود و خبری نشد. کم‌کم هم به آخر سال نزدیک می‌شدیم و نمی‌شد به سال بعد انداخت چون احتمال غیبت را داشت. اما یک مورد دیگر هم داشتیم و آن این بود که هر کس دنبال معافیت پزشکی باشد نباید در حال تحصیل باشد. خب این یک ریسک بود. می‌توانستم ادامه تحصیل بدهم و از معافیت تحصیلی استفاده کنم اما این احتمال هم وجود داشت که اگر معافیت را به بعد موکول می‌کردم احتمال معافیت ضعیف‌تر شود.

نتیجه این شد که تصمیم‌ام را قطعی کردم و در بهمن ۸۵ دل را به دریا زده و پس از گرفتن انصراف از تحصیل، دفترچه خدمت سربازی را گرفتم و آماده گذر از مراحل معافیت شدم. برای شروع این کار باید برگی در دفترچه را توسط یک پزشک عمومی یا متخصص مورد نظر پر کنید. ما هم بی‌اطلاع از چیزی به صورت تصادفی پیش پزشکی رفتیم و درخواست چکاپ کامل کردیم. پس از چکاپ، نتیجه آن بر این اساس شد که خوشبختانه یا متاسفانه ما دچار مشکل کم‌کاری غدد تیروئید هستیم. به خاطر چربی خون بالا، تپش قلب، فشار خون بالا، وزن بالا (۱۵۵ کیلو) و گروه خونی O+ از نظر پزشک معاف از زندگی شناخته شدیم. برگه را پر کردیم و مرحله اول را تمام کردیم و باید مدارک را با پست ارسال می‌کردیم و منتظر جواب آن می‌شدیم. تا اینجای کار مساله‌ای نبود و می‌شد پشیمان شد، اما در صورت ارسال مدارک راهی جز معافیت، معافیت از رزم یا سربازی پیش روی شما نبود.

پس از یک بررسی اجمالی مدارک را پست کرده و منتظر ماندیم تا پاسخ برای ما ارسال شود. قریب به دو هفته بعد از ارسال، جوابیه‌ای برای ما ارسال شد و ما را به یکی از مراکز درمانی معرفی می‌کرد. قرعه برای من به بیمارستان امام خمینی افتاد؛ جایی که برای من حس آشنایی زیادی داشت چون خودم در این بیمارستان متولد شده‌ام و در کودکی هم به آنجا می‌رفتم و حال بعد از سال‌ها به آنجا رفته بودم. پس از پرس و جو محل مورد نظر را پیدا کردیم و به داخل رفتیم اما اعلام کردند تعطیل است و شما دیر آمده‌اید. اما پزشک مورد نظر از ما درخواست کرد برای معاینه به داخل برویم. کمی خوشحال شدیم که توانسته‌ایم یک مرحله جلو برویم و کار به تعویق نیفتاده. در مرحله اول قبل از معاینه یکی از دستیاران پزشک از ما جهت تکمیل اولیه پرونده سوالاتی کرد از قبیل نام و نام خانوادگی، سن، نوع بیماری و وزن! از من پرسید چند کیلو هستی؟ گفتم دقیق نمی‌دانم، پس ما را به بالای یک ترازو برد. عقربه‌های ترازو یک دور و نیم به دور خود زد و در جایی ایستاد که دستیار پزشک نتوانست وزن ما را مورد محاسبه قرار دهد. پس با لبی خندان از ما پرسید: گفتید چند کیلو بودید؟! من هم تا آنجایی که یادم مانده بود، می‌دانستم بالای ۱۴۵ کیلو هستم و برای اینکه بعداً مشکلی هم پیش نیاید گفتم وزنم ۱۴۵ کیلو است در صورتی که ۱۵۵ کیلو بودم. بعد از این مورد نزد پزشک رفتیم و دکتر به معاینه پرداخت. اما پزشک حین معاینه احساس می‌کرد به نتیجه نمی‌رسد و در آخر گفت من مشکلی احساس نمی‌کنم! و بعد از مشورت با یکی دیگر از پزشکان متن نامه را به دست ما داد و پس از مهر و موم نامه آن را به ما تحویل داد و ما هم با حس امیدی کمرنگ آن را به نظام وظیفه بردیم و تحویل دادیم و در آنجا به ما نوبت دادند تا به شورای پزشکی برویم. شورای پزشکی آخرین مرحله تصمیم‌گیری است. در آنجا تمامی مدارک را بررسی کرده و در صورت نیاز در همان محل دوباره معاینه می‌کنند. در این مرحله رای داده شده قطعی است و قابل تغییر و اعتراض نیست. روز موعود نیز برای ما فرارسید و بعد از مدتی تلاش و امید و آرزو، اول وقت به شورای پزشکی رفتیم. پس از انتظاری طولانی اسم ما را خواندند تا به اتاق معاینه برویم. در اتاق معاینه دو صف بود که در سمت راست و چپ اتاق دو دستیار پرونده‌ها را بررسی می‌کردند و دو پزشک هم در میان این دو نفر نشسته بودند. کم‌کم صف جلو رفت و نوبت به ما رسید. دستیار پزشک پس از بررسی و سوال و کمی معاینه در آخر پرونده را با پزشک به مشورت گذاشت. پزشک که در حال صحبت با دوستش بود نگاهی گذرا به پرونده انداخت و با اشاره سر جوابی منفی داد. بدنم یخ کرد، احساس کردم تمام شد و باید منتظر اعلام محل آموزشی خود می‌شدم. افسرده‌حال از اتاق بیرون آمدم و در خارج از اتاق و محل شورای پزشکی به همراه دیگر مراجعه‌کنندگان منتظر نظر شورای پزشکی شدیم. در این اوصاف در فکر این بودم که سربازخانه‌های کشور باید منتظر فردی ۱۵۵ کیلویی باشند که قرار است در آن محل به خدمت بپردازد. زمان انتظار به پایان رسید و اسامی یکی بعد از دیگری اعلام می‌شد. در مرحله اول اسامی کسانی که معاف از رزم بودند اعلام شد که من به تصور معافیت دائم تصور می‌کردم و اسم ما هم در این لیست نبود. در نوبت دوم اسامی کسانی که معافیت دائم داشتند خوانده شد، من هم به تصور احساس کردم اسامی اعزامی‌ها خوانده شده است. اسم من هم خوانده شد. با غم و اندوه به سمت باجه رفته و به دنبال نامه اعمال خود رفتم. اما پس از گرفتن پاکت اطرافیان به من تبریک می‌گفتند. کمی برایم عجیب بود تا اینکه روی پاکت را خواندم. روی پاکت نوشته شده بود پاکت مخصوص ارسال کارت معافیت دائم پزشکی. باور نمی‌کردم من هم معاف شده‌ام. در بهت و حیرت مدارک مورد نیاز را پر کردم و پس از اتمام کار از آن محل خارج شدم. باورم نمی‌شد در این چند دقیقه مسیر زندگی‌ام به سمت دیگری رفته است و در آخر پس از مدتی در ۲۸ اسفند ۸۵ کارت معافیت را از در منزل تحویل بگیرم و در حالی که سخت بود به آسانی به پایان برسد. یعنی از آغاز شروع تا دریافت کمتر از دو ماه زمان برد.

سودوکو شماره ۲۴

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

			5					
		8				7		
	2		6	7	4		1	
		9		5		8		2
		1	4		6	5		
3		2		9		6		
	9		2	3	7		6	
		7				4		
					5			

حل سودوکو شماره ۲۳

3	7	1	9	8	2	4	6	5
6	4	9	5	7	3	2	8	1
5	2	8	1	6	4	3	9	7
7	8	4	6	1	9	5	3	2
9	1	6	3	2	5	7	4	8
2	5	3	8	4	7	9	1	6
1	3	7	2	9	6	8	5	4
8	9	2	4	5	1	6	7	3
4	6	5	7	3	8	1	2	9

جدول شماره ۱۰۱۵

افقی

۱- قسمی دوخت- پولی که فردی با زور و قلدری گیرد ۲- از شهرهای صنعتی ژاپن- ارابه- طاقت و تحمل ۳- قربانگاه حج- سوغات سفر- چهره شطرنجی ۴- حرف پیروزی- اولین قسمت دستگاه گوارش- آدمی ۵- سیستم- دوبلین پایتختش است ۶- از حیوانات وحشی- از شهرهای استان آذربایجان غربی ۷- نوشته پژوهشی- سوره ۱۱۱ از قرآن کریم یا سوره ابی‌لهب- نوعی خاک ۸- دست عرب- در- آخرین بازمانده نازی‌ها ۹- یازده- گاو تبتی- رهبر، رهنمون ۱۰- حریر- پرداختی برای اشتراک ۱۱- روستای دیدنی و تاریخی کاشان- نام دیگر الکل اتیلیک ۱۲- خانه بت‌ها- خر- همه ۱۳- صریح‌اللهجه- چشم‌انداز- گرم‌تر از گرم ۱۴- وسیله‌ای در شبکه‌های رایانه‌ای- برقرار و دایر- نوعی ناهنجاری مادرزادی در لب‌ها ۱۵- بی‌نظم و بی‌رویه- نویسنده از خود با این کلمه تعبیر کند.

عمودی

۱- نوعی میوه- برای تخریب مکه لشگر کشید ۲- بنیانگذار- مرجان، در دریا نرم است و وقتی بیرون می‌آید منجمد می‌شود- دریافتن چیزی برای اولین بار ۳- مخزن اکسیژن در طبیعت- لایق، درخور- از توابع قزوین- مقابل خوب ۴- مریضی، ناخوشی- شهری در ایتالیا- دوستی خالص ۵- زه کمان- الهام‌شده- پسوند صفت‌ساز- الفبای آبادانی ۶- بزرگ‌ترین شهر در جنوب شرقی ایران- اصل- همسایه‌ای در ساحل خلیج فارس ۷- قطعه موسیقی- بدهی به صورت اقساطی- رهاورد زلزله ۸- شاهد- مو- تور کاهکشی ۹- لقب اشراف زمین‌دار اروپایی- اسفنج مصنوعی- از گازها ۱۰- گندم آسیاب‌شده- صلح و سازش- نام گردشگاه عمومی که توسط شهرداری‌ها ایجاد می‌شود ۱۱- از الفبای انگلیسی- اشاره به نزدیک- داخل- پسر عرب ۱۲- فراگیرنده فنون بازیگری- جمع هند- جشن وارونه و بی‌انتها ۱۳- صنم- روان- مورچه- پیشوند یونانی به معنی ۱۰ برابر ۱۴- سوبسید- مرغ سعادت- فرزند کاوه شخصیت ایرانی در شاهنامه ۱۵- تبسم- اثری از عطار و لقبی برای خواجه حافظ شیرازی.

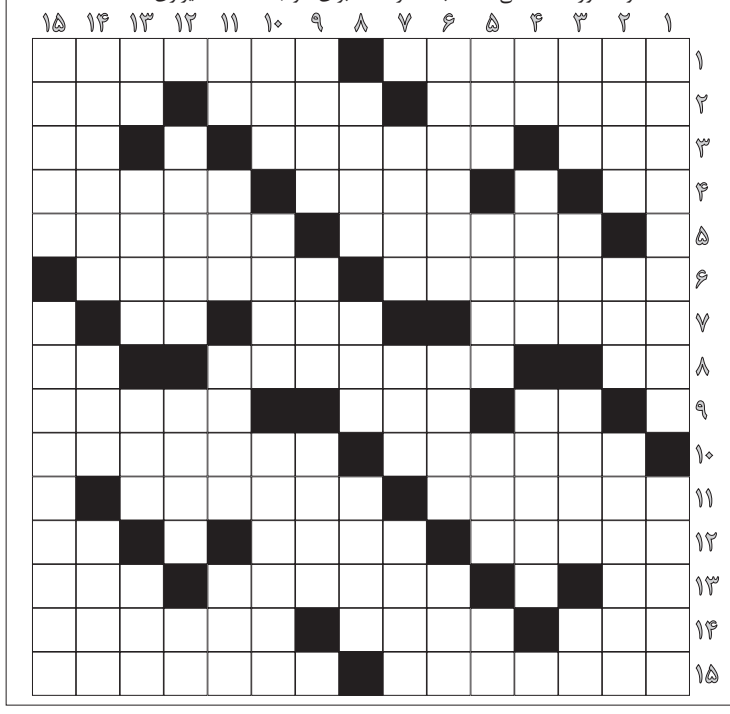
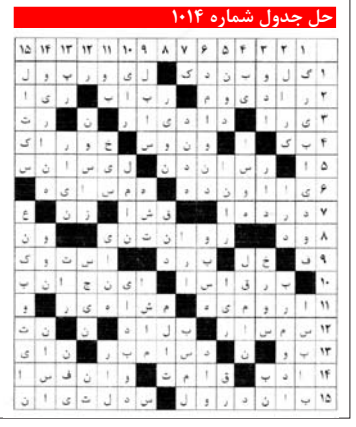
حل جدول شماره ۱۰۱۴